

بازی

به پهنای کف یک دست و عمق تقریبی دو-سه انگشت با فاصله‌های نیم متری از هم دست گرفته و از یک نقطه شروع و به نوبت سعی می‌کردند تپله خود را با قرار دادن آن بین یک دست امتیاز به نفع او و نوبت دیگری است و فرد امتیاز آورده در دور بعد تپله‌اش را از همان مکان می‌افتاد تپله همان جا که افتاده‌است، می‌ماند تا دو باره نوبت به او برسد و دوباره تلاش کند. این بازی تا وودشان آخری را برای بازی انتخاب کنند. این بازی مقید به تعداد افراد نیست و با هر تعداد نفری قابل اجراست.

بالا بلندی

فضای باز انجام می‌شود. شرکت کنندگان یک نفر را به عنوان گرگ انتخاب می‌کنند که باید دنبال بچه‌های دیگر به دود و آنها را بگیرد. وقتی گرگ به یکی از بچه‌ها نزدیک شود او باید روی یک بلندی که از پیش تعیین شده، برود و روی بلندی است گرگ نمی‌تواند او را بگیرد. گرگ، بازی را با دنبال کردن کودکان دیگر ادامه می‌دهد. هر کس را پیش از روی بلندی بایستد بگیرد، گرگ می‌شود و کار او را دنبال می‌کند. وقتی گرگ، دنبال کودکی می‌دود، دیگران شعر می‌خوانند و می‌کنند در عین حال مواظب هستند گرگ هدفش را عوض نکند و آنها را بگیرد.



استخوان مهتاب

در این بازی دو گروه ۵ نفره هستند. گروه اول استخوانی را پرتاب می‌کند و گروه دوم باید آن را پیدا کند. اگر گروه دوم پیدا نکند، گروه اول را به پشت سوار کنند و در کوچه‌های روستا به همین حالت حرکت می‌کنند تا به در خانه‌ها رفته و در زده واز صاحب خانه می‌پرسند سواره بر سواره یا پیاده بر سواره؟ اگر گفت: سواره بر سواره بر پشت سواری ادامه می‌دهند و اگر گفت: پیاده بر سواره، جای گروه عوض می‌شود.

تاپ تاپ خمیر

یک نفر بزرگ تر (اوستا) یکی از بچه‌ها را به حالت سجده می‌خواهاند و به او می‌گوید، چشم‌هایش را ببندد، سپس دست یکی از بچه‌ها را بالا می‌برد و در حالی که آرام آرام به پشت او می‌زند، این شعر را می‌خواند: تاپ تاپ خمیر شیشه پر پنیر دست کی بالا؟ در این موقع بازیکن باید حدس بزند اسم شخصی که دستش بالا برده شده است، چیست. اگر دست بگوید برنده است و یک امتیاز می‌گیرد و شخصی که دستش بالا برده شده بود، باید جای او را بگیرد و اگر اشتباه بگوید، یک امتیاز منفی می‌گیرد و باید خودش بازی را تکرار کند، بازی همچنان ادامه دارد تا زمانی که بازیکن درست حدس بزند و در پایان، امتیاز شماری می‌کنند و امتیاز هر کس بیشتر بود، برنده است.



دستمال پستی

گان این بازی از ۴ تا ۱۵ نفر یا حتی بیشتر است. کودکان به شکل دایره روی زمین می‌نشینند. یکی از بچه‌ها گرگ می‌شود و دور می‌چرخد. او بی سرو صدا و بدون این که کسی بفهمد، دستمالی را که در دست دارد، پشت سر یکی از کودکان می‌اندازد. آنها باید از زیر نظر داشته باشند تا اگر دستمال را پشت سرشان انداخت، بفهمند. نفری که گرگ دستمال را پشتش می‌اندازد، باید آن را بگیرد، برنده می‌شود و نفر اول در جای او می‌نشیند. در حال تعقیب و گریز گرگ، بچه‌ها با هلهله و هیجان دوستانشان را حلال‌برنده جای گرگ را می‌گیرند و دور دایره می‌چرخند و دستمال را پشت یکی از بچه‌های دیگر می‌اندازد. اگر کودکی که بازیکن یک دور ببرد، بچه‌ها با هم می‌خوانند: «تخم‌مرغ گندیده/ یکی ز ما نچیده» و آنکه نفهمیده دستمال را پشت سر این بازی در گذشته یکی از سرگرمی‌های کودکان بود و جای اسباب بازی‌های متنوع امروزی را می‌گرفت، اما با هدف مشخصی هدف تقویت سرعت عمل، دقت و کنجکاوی، تقویت حواس و تمرکز و لذت و هیجان به انجام این بازی تشویق کرد.



استوپ هوایی

نام دیگر این بازی احتمالا استوپ آزاد است. در این بازی که به وسیله تعدادی بازیکن به همراه یک توپ انجام می‌شود (تعداد نفرات نامحدود)، توپ توسط فرد شروع کننده بازی به هوا پرتاب می‌شود، همزمان با پرتاب توپ به هوای نام شخصی از بازیکنان حاضر توسط پرتاب کننده با صدای رسا گفته می‌شود. فردی که نام او برده شده سعی می‌کند توپ را بدون اصابت آن به زمین بگیرد. در این حین دیگر بازیکنان شروع به دویدن و دور شدن از آن منطقه می‌کنند. فردی که نام او برده شده، در صورتی که موفق به گرفتن توپ شود، دوباره عمل پرتاب توپ به هوا و صدا زدن نام یکی دیگر از بازیکنان را انجام می‌دهد. در صورتی که موفق به گرفتن توپ نشود، آنگاه به دنبال توپ می‌دود و سعی می‌کند هر چه سریعتر توپ را بگیرد. به محض گرفتن توپ می‌گوید: «استوپ».



بازیکنان دیگر به محض شنیدن کلمه استوپ موظف هستند در هر جایی که هستند، توقف کنند. شخصی که توپ در دست دارد، می‌تواند به دلخواه به طرف هر کسی که نزدیکتر بوده یا هر کس که وی مایل است، توپ را پرتاب کند. در این حالت هیچ یک از بازیکنان مجاز به حرکت نیست در صورتی که توپ به فرد مورد نظر برخورد کند، یک امتیاز منفی به ضرر فردی که توپ به او برخورد کرده است، منظور و بازی را دوباره آغاز می‌کند. در صورتی که توپ به وی برخورد نکند، یک امتیاز منفی به ضرر شخص پرتاب کننده منظور و بازی دوباره از سوی او آغاز می‌شود. بازی با همین چرخه تکرار می‌شود تا امتیاز منفی شخصی به عدد مورد توافق و از پیش تعیین شده ای برسد. در این حالت دیگر بازیکنان به غیر از شخص دارای امتیاز منفی وارد شور شده و نامی مستعار برای وی انتخاب می‌کنند. از اینجا به بعد وی را با نام مستعار انتخاب شده می‌خوانند (هنگام پرتاب توپ به هوا). هر کس وی را با نام اصلی وی صدا کند، یک امتیاز منفی به حسابش منظور خواهد شد. با رسیدن امتیازهای منفی به عدد مورد توافق و از پیش تعیین شده دیگری، شخص مورد نظر را رو به دیوار یا سطح دیگری چسبانده (تکیه داده) و هر یک از بازیکنان وی را با توپ مورد اصابت قرار می‌دهند. پس از پایان این توپ باران، شخص مورد نظر اصطلاحاً سوخته و از بازی خارج می‌شود. دیگر بازیکنان آنقدر به بازی ادامه می‌دهند تا یک نفر باقی بماند که او همان برنده نهایی بازی است.

شاه، دزد، وزیر

بازی همشکل و کوچکی از کاغذ تهیه می‌شود و روی هر کدام به ترتیب کلمات «شاه»، «وزیر»، «جلاد» و «دزد» نوشته می‌شود. از داخل آن خبردار نشود، سپس هر یک از بازیکنان کاغذی را برمی‌دارند، وقتی همه کاغذها را برداشتند و از سمت خود (د)، شاه رو به دیگران می‌گوید: «وزیر من کیست؟» آنگاه وزیر هم با نشان دادن کاغذ، خود را به شاه معرفی می‌کند. آنگاه شاه می‌پرسد: «وزیر من کیست؟» آنگاه وزیر هم با نشان دادن کاغذ، خود را به شاه معرفی می‌کند. آنگاه شاه می‌پرسد: «وزیر من کیست؟» آنگاه وزیر هم با نشان دادن کاغذ، خود را به شاه معرفی می‌کند. آنگاه شاه می‌پرسد: «وزیر من کیست؟» آنگاه وزیر هم با نشان دادن کاغذ، خود را به شاه معرفی می‌کند. آنگاه شاه می‌پرسد: «وزیر من کیست؟» آنگاه وزیر هم با نشان دادن کاغذ، خود را به شاه معرفی می‌کند.

ایرانی را چنان خیره کرده و عقلشان را مدهوش که خیلی‌ها می‌گویند کار از کار حقیقی را به کلی فراموش کرده و در دنیای مجازی ذوب شده است. از طرفی هنوز بازی‌های واقعی میان بچه‌ها امیدوارند. بازی‌هایی که فقط یک بازی ساده نیستند بلکه شان را بالا می‌برند. عدم ارتباط با جامعه و گروه‌های همسالان، ایجاد استرس و اضطراب‌های در بازی‌های کودکان است. نوجوانان و کودکان بسیاری در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی‌کنند تا با اشاره‌ای به بازی‌های حقیقی که زمانی نه چندان دور کودکان و نوجوانان ایرانی را به خود حقیقی ایجاد کند.